تلنگر

## پدر از زبان فرزند

سید محمود خسروشاهی فرزند آیت ا... خسروشاهی که هفته گذشته به دلیل ابتلا به ویروس کرونا درگذشت، از شیوه‌های زیستی پدرش نکات جالبی می‌گوید که می‌توانید در ادامه بخوانید.

### زندگی با روزی یك تومان

مرحوم پدرم نقل می‌کردند: «در بدو ورود به قم، هنوز امتحان نداده بودم که شهریه بگیرم. قبل از آن یکی از همسایه‌های ما در تبریز به نام حاج آقا عبدالمطلب ممقانی ـ که از تجار تبریز و از مریدهای پدرم بود ـ ماهی ۳۰ تومان از وجوهات یا تبرعا! برایم می‌فرستاد و من با روزی یك تومان زندگی می‌کردم. بعد که امتحان دادم، شهریه آیت ا... بروجردی را توسط حاج‌محمدحسین احسن در آن صف‌های کذایی در فیضیه دریافت می‌کردم! بعدها که مجله مکتب اسلام راه افتاد، در آنجا قلم می‌زدم و ماهی ۱۵ تا ۲۰ تومان می‌گرفتم». در مجموع در تمام مدت عمر، فقط متکی به درآمد فعالیت فرهنگی و تالیفی خودشان بودند.

### عبادت و اخلاق

شنیده بودم در دوره طلبگی در مسجد مدرسه حجتیه قم، در شب‌های جمعه مجالس دعا را اداره می‌کردند و بسیار اهل عبادت و دعا بودند. خودشان می‌فرمودند: «در قم یك‌سری مجالس دعا و دروس اخلاق بود که شرکت می‌کردم. از جمله درس اخلاق مرحوم آقا شیخ عباس تهرانی در کتابخانه مدرسه حجتیه در روزهای جمعه. دعای سمات در منزل آیت ا... سیدمحسن خرازی در بعدازظهرهای جمعه. درس اخلاق مرحوم حاج آقا حسین فاطمی در مجله چهارمردان، درس اخلاق آیت ا... حاج آقا رضا صدر در شب‌های پنجشنبه، درس اخلاق و عرفان مرحوم شیخ علی آقای پهلوانی (سعادت‌پرور) در مدرسه حجتیه که خصوصی درس می‌دادند».

### بی‌اعتنا به امور دنیوی

پدر به امور مادی بی‌توجه بودند و غیر از آغاز دوره طلبگی، هیچ وقت از وجوه شرعیه استفاده نکردند. تا جائی که یادم هست چه در دوران سفارت در واتیکان و اقامت پنج ساله در ایتالیا و چه در دوران سه ساله ریاست هیات دیپلماتیك ایران در مصر، همه حقوقشان را صرف خرید کتاب یا انتشار منشورات تاریخی، سیاسی و مذهبی می‌کردند! حتی گاهی هم که ضرورت پیش می‌آمد، به بعضی از شخصیت‌های گروه‌های اسلامی کشورهای مختلف کمك می‌کردند. ایشان هیچ‌گاه از امکانات حوزوی و دولتی برای زندگی شخصی خود استفاده نکردند و از هیچ وام دولتی و مزایایی که امکان استفاده از آنها بوده، بهره نبردند و اجازه کوچك‌ترین استفاده از این امکانات را هم به فرزندانشان ندادند. پدر به قدری به امور مادی بی‌اعتنا بودند که گاهی حاضر به تعویض عبا و قبای خود هم نمی‌شدند و تا وقتی کار به مرحله وصله و پینه نمی‌رسید، از آن لباس دست برنمی‌داشتند! از تشریفات ظاهری به شدت پرهیز داشتند و رفتارشان با کارمندان سفارت یا مرکز بررسی‌های اسلامی قم، همواره صمیمانه و بامحبت بود. از ۳۰ سال قبل یك ماشین تویوتا داشتند که همیشه از همان استفاده می‌کردند. اغلب هم با تاکسی رفت و آمد می‌کردند.

### علاقه به فدائیان اسلام

ایشان از همان سالیان اولیه طلبگی، با فدائیان اسلام آشنا و به قول خودشان «سمپات» آنها شدند. خودشان درباره آن مقطع می‌گفتند: «دوران نهضت ملی بود و فدائیان اسلام در حوزه قم فعال بودند. من به خاطر غیرت اسلامی و روحیه خاص مرحوم شهید نواب صفوی، خیلی به ایشان علاقه داشتم. به قول امروزی‌ها شخصیت کاریزماتیك داشت و بسیار جذاب بود. متأسفانه بین اصحاب آیت ا... بروجردی و گروهی از جوانان فدائیان اسلام اختلافاتی پیدا شد و امثال شیخ علی لر و شیخ اسماعیل ملایری در مدرسه فیضیه با چوب و چماق به جان شهید سیدعبدالحسین واحدی و بقیه فدائیان اسلام افتادند و آنها را بیرون کردند». ایشان تا پایان عمرشان، این علاقه را حفظ کردند و آثار مختلفی را هم در این باره به نگارش درآوردند که اهل تحقیق در جریان آن هستند.

## تهدید از سوی منافقین

محمود خسروشاهی فرزند زنده‌یاد آیت ا... خسروشاهی می‌گوید: پدرم در دوران پهلوی بارها مورد بازجویی قرار گرفتند و تبعید شدند، ولی حتی ذره‌ای از مواضع خود کوتاه نیامدند. بعد از انقلاب هم بارها از طرف گروه‌های ضدانقلاب و مخصوصا منافقین تهدید شدند و چند بار چه در تهران و چه در سفارت ایران در واتیکان از طریق ارسال بمب در ماشین حساب و امثالهم، مورد تهدید قرار گرفتند و با وجود اصرار مقامات امنیتی ایتالیا، حاضر نشدند همراه با تیم حفاظتی به این سو و آن‌سو بروند. پدر از چیزی نمی‌ترسیدند. یادم هست در ایام موشك‌باران قم، ایشان همچنان به مطالعه و نگارش مشغول بودند و خانه را ترك نمی‌کردند. در آن ایام با این که بسیاری از مردم از شهر رفته بودند، ما در خانه ماندیم. حتی خاطرم هست در آن روزها، انتخابات سومین دوره مجلس شورای اسلامی برگزار شد و ایشان با حضور در مدرسه آیت ا... مرعشی نجفی، رای خود را به صندوق انداختند.

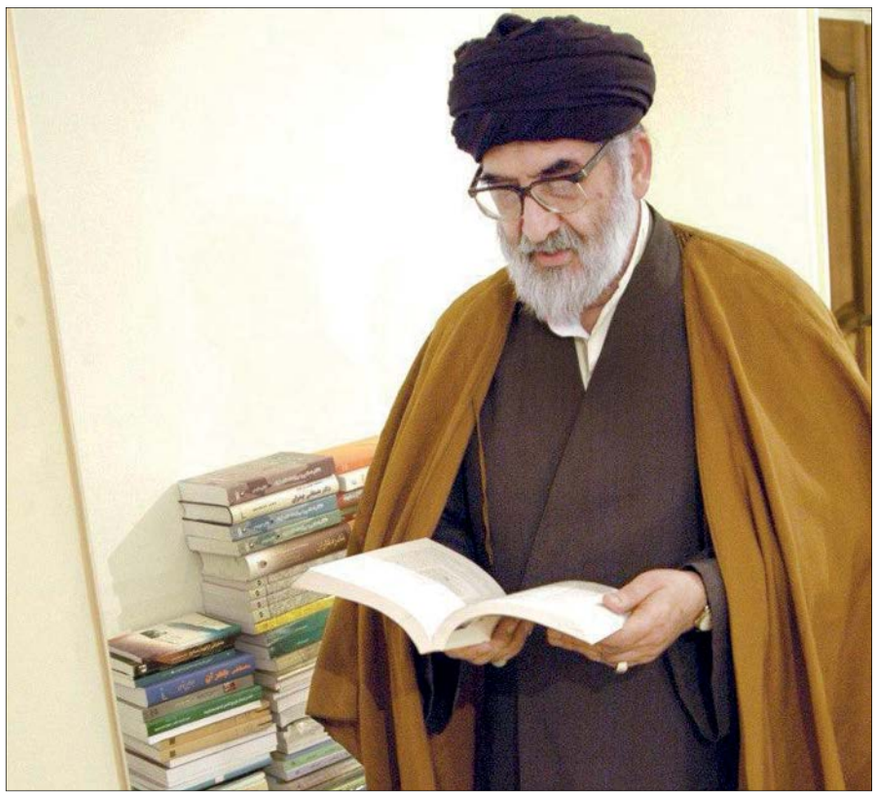

آیت ا... خسروشاهی هفته گذشته در ۸۱ سالگی دار فانی را وداع گفت

**عکس‌ها:** جام جم

جستارهایی در سیره فردی و اجتماعی زنده یاد آیت ا... سید هادی خسروشاهی در گفت و شنود با فرزندش

# مردی شبیه «سیدجمال»

محمدرضا کائینی

تاریخ

**چگونه می‌توان باور کرد استاد و دوستی دانشور که همواره تکیه‌گاه اندیشه و عمل ما بود، این چنین غریبانه روی از جهان برگرفته و ما را ترك گفته است؟ آیت ا... سید هادی خسروشاهی بر چند نسل از مردم جویای افکار ناب دینی در این مرز و بوم و حتی سایر کشورهای اسلامی، حقی فراوان داشت، کثرت آثاری که توسط او آفریده شدند و همین طور تاثیر گسترده آنها، شاهدی بر این مدعاست.**

**در نکوداشت یاد و خاطره آن دانشی مردِ راحل و در باب خصال فردی و اجتماعی آن بزرگ، با فرزندش جناب محمود خسروشاهی گفت و شنودی انجام داده ایم که نتیجه آن پیش روی شماست. امید آنکه تاریخ پژوهان و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.**

***آیت ا... خسروشاهی روحیات خاصی داشتند و به گواه افرادی که ایشان را می‌شناسند و البته کارنامه فعالیت‌های پژوهشی‌شان بیشتر سر در همین عالم تحقیق و تفکر داشتند. جالب است که با وجود فعالیت‌های فرهنگی فراوانی که دارند، هیچ‌گاه نشنیدیم برای ایشان مراسم بزرگداشتی برگزار شود. علت چه بود؟***

پدر از هر نوع لقب و عنوان و تشریفات بدشان می‌آمد، در حالی که برخی از بزرگان علمی، متأسفانه به این موارد اهمیت زیادی می‌دهند. آنچه که من از ایشان دیدم، بی‌اعتنائی مطلق به عنوان و لقب بود. ایشان با این که از مراجع بزرگ حوزه علمیه قم درجه اجتهاد داشتند و اجتهاد ایشان مورد تأئید شورای عالی مربوطه در حوزه قم هم بود، هرگز به ما اجازه استفاده از عناوینی خاص را در مورد خود ندادند، به طوری که حتی زمانی که سایت ایشان را راه‌اندازی کردیم، اجازه استفاده از کلمه «آیت ا...» را ندادند و ناچار به حذف آن شدیم! من نهایتاً بدون کسب اجازه از ایشان از کلمه استاد استفاده کردم. بارها نهادهای مختلف از جمله انجمن مفاخر، سازمان فرهنگ و ارتباطات و... پیشنهاد برگزاری مراسم تجلیل و تقدیر از ایشان را دادند که به هیچ‌وجه زیر بار نرفتند. بسیاری از مدیران فرهنگی و سیاسی و وزرا و بزرگان عرصه اندیشه، روش و شیوه خود را مدیون رهنمودها و آثار و کتب ایشان دانسته و در جاهای مختلف در این باره اظهارنظر کرده‌اند. هر بار که من خواستم این آرا و نظریات را گردآوری و تدوین کنم، مانع شدند و گفتند: «من براساس اعتقاد و میل خودم و برای رضا خدا این کارها را انجام داده‌ام، نه برای تظاهر و تفاخر، بسیار هم از لطف این آقایان ممنونم، ولی مایل به گردآوری و چاپ آنها نیستم».

> محمود خسروشاهی: در زمینه سیاسی همیشه می‌گفتند من برای همه جریان‌های راست و چپ واصولگرا و اصلاح‌طلبی که به آرمان‌های انقلاب اسلامی پایبند هستند، احترام قائلم، ولی در بیان عقاید خودم مستقلم و از هیچ جریان سیاسی ای به طور صددرصد پیروی نخواهم کرد

***اشاره کردید به این که ایشان به تصریح بسیاری از علما و مراجع تقلید معاصر به درجه اجتهاد رسیده بوده، چه شد که مانند برخی دوستان خود، به سوی مرجعیت نرفتند؟***

بر حسب گفته‌های خودشان، مرحوم آیت ا... کاشانی در این تغییر نقش اصلی را داشتند. ایشان نقل می‌کردند: «یك روز همراه با مرحوم آقای علی حجتی کرمانی نزد ایشان رفتیم. من گفتم: آقا! فقه و فقاهت شما مورد تأئید همه بزرگان و علمای نجف هست و اگر می‌ماندید بی‌تردید یکی از مراجع بزرگ تشیع می‌شدید، چرا رساله عملیه ننوشتید و چرا نماندید؟ ایشان گفتند: بدبختی مسلمانان کمبود رساله عملیه نیست، در قم و مشهد و نجف تا دلت بخواهد رساله عملیه هست، اگر قرار بود با عمل به رساله‌های عملیه امور مسلمین اصلاح شود، تا به حال شده بود، من نجات اسلام را در بیرون راندن انگلیسی‌ها از ایران و کشورهای اسلامی می‌دانم... به هر حال استدلال مرحوم آیت ا... کاشانی مرا تکان داد و دستگیرم شد که نباید حتماً یك فقیه معروف یا مرجع تقلید بشوم. البته دروس رسمی حوزه را تقریباً کامل خواندم و درس خارج فقه و اصول را هم در حدی که مورد نیازم بود رفتم، ولی انگیزه تخصص فقیه و صاحب رساله شدن و امثال اینها با حرف‌های آیت ا... کاشانی در من از بین رفت».

***با این‌که آیت ا... خسروشاهی یکی از سیاسی‌ترین شخصیت‌های تاریخ معاصر بود و چه قبل و چه بعد از انقلاب فعالیت‌ها، مبارزات و مناصب حساسی داشت، هرگز تندروی‌ها و کندروی‌های دیگران را نداشت. دلیل آن را چه می‌دانید؟***

ایشان بیش از هر چیزی، به پژوهش و نگارش و هدایتگری از طریق تألیف آثار ارزشمند و تأثیرگذار اهمیت می‌دادند، بنابراین فرصتی برای درگیر شدن در منازعات پیش پا افتاده سیاسی نداشتند، مضاف بر این که اساساً رغبتی هم به این کار نداشتند. شیوه مبارزاتی ایشان در دوران قبل از انقلاب هم نشان می‌دهد که به جای جار و جنجال و اعتراض آشکار، همواره به دنبال کارهای عمیق فرهنگی بودند. ایشان معتقد بودند هیچ انقلابی بدون تغییر بنیان‌های فکری و فرهنگی جامعه ممکن نیست و اگر هم روی بدهد، دوامی نخواهد داشت. از همین روی بخش اعظم انرژی و وقت خود را صرف نگارش کتب روشنگرانه می‌کردند. در زمینه سیاسی هم همیشه می‌گفتند: «من برای همه جریان‌های راست و چپ واصولگرا و اصلاح‌طلبی که به آرمان‌های انقلاب اسلامی پایبند هستند، احترام قائلم، ولی در بیان عقاید خودم مستقلم و از هیچ جریان سیاسی ای به طور صددرصد پیروی نخواهم کرد». چیزی که تا پایان حیات ایشان هم تداوم داشت.

***آرامش و نقد پذیری ایشان، بر تمام دوستان و مراودان آن مرحوم آشکار بود. در این باره چه خاطراتی دارید؟***

بله، ایشان نقدپذیر بودند، تا جایی که می‌توانم بگویم روحیه نقدپذیری ایشان را در کمتر کسی سراغ دارم! از وقتی نوجوان بودم، خیلی راحت می‌توانستم افکارم را بیان کنم و ایشان هم با سعه صدر بالائی گوش می‌دادند و برای نظراتم ارزش قائل بودند. اگر حدود ادب را رعایت می‌کردم، هرگز لب به عتاب نمی‌گشودند و همواره صبور بودند. همین صبر را در زندگی مبارزاتی و سیاسی ایشان هم می‌شود مشاهده کرد. ایشان همان‌طور که جزو پیشگامان تقریب بین مذاهب اسلامی، چه قبل و چه بعد از انقلاب بودند، همواره با اکثر گروه‌ها و جریانات داخل کشور، حتی منتقدین ارتباط داشتند. از برخوردهای حذفی و سلبی پرهیز می‌کردند و همواره تلاش می‌کردند نقاط مثبت و منفی شخصیت‌ها و جریانات را براساس واقعیت‌ها و باکمال انصاف بیان کنند.

***به پیشگامی ایشان در تقریب بین مذاهب اسلامی اشاره کردید. در این مورد توضیح بیشتری بدهید.***

ایشان در شرایطی که حتی فعالان و مسوولان وزارت خارجه به اهمیت این موضوع پی نبرده بودند، فعالیت خود را در این زمینه آغاز کردند. آثار و خاطرات ایشان، این موضوع را نشان می‌دهد. به عبارتی ایشان از نیم قرن پیش، در جهت همکاری با حرکت‌های اسلامی و کمك به بیداری اسلامی، همه توان خود را به کار گرفتند و فعالیت‌های گسترده‌ای را در امور سیاسی و داخلی و ارتباط وسیع با رهبری حرکت‌های اسلامی آغاز کردند.

***مرحوم خسروشاهی از نویسندگان دیرپا، پرکار و خوشفکر معاصر بودند و بسیاری از مردم، از طریق مطالعه آثارشان با ایشان آشنا شدند. ایشان نوشتن مقاله و کتاب را از چه مقطعی و چگونه آغاز کردند؟***

از دوران نوجوانی و همان دوره‌ای که در تبریز بودند و شرح زندگی و آثار پدرشان مرحوم آیت ا... سید مرتضی خسروشاهی را نوشتند. همچنین در هفته‌نامه مهد آزادی تبریز و بعضی از نشریات تهران. بیشتر در هفته‌نامه ندای حق. با امضای «س.هـ. تبریزی» مقاله می‌نوشتند. این نشریه در تهران به سردبیری و صاحب امتیازی مرحوم سیدحسن عدنانی چاپ می‌شد و شاید تنها نشریه مذهبی آن دوره بود. از نویسندگان ثابت این نشریه مرحوم آقای علی دوانی بود. بعدها آقایان محمدجواد و علی حجتی کرمانی هم در آن مقاله می‌نوشتند. نشریه‌ای در تهران به سردبیری سیدمحمدباقر حجازی از اصحاب سیدضیاء طباطبایی چاپ می‌شد به اسم «وظیفه». ایشان از طریق مرحوم آیت ا... طالقانی با این نشریه آشنا شدند. یك روز همراه آقای طالقانی به دفتر نشریه رفتند و در آنجا با آقایان دکتر سیدجعفر شهیدی و سیدغلامرضا سعیدی آشنا شدند. خودشان می‌گفتند: «آقای حجازی یك جور روحیه طلبگی و درویش مسلکی داشت. آقای طالقانی مرا به ایشان معرفی کرد. مقاله‌های من نوعاً تند بودند و ایشان گاهی سانسور می‌کرد و می‌گفت: شما خبر از فشار سازمان امنیت بر ما ندارید، حمله به حاکمیت هم شما را به دردسر می‌اندازد، هم ما را، صلاح نیست! ولی به هر حال غالباً مقالاتم را چاپ می‌کرد. بعدها به سراغ مقالات شرح حال رجال و علما رفتم. همزمان در ندای حق هم مقالاتی داشتم تحت عنوان گفتگو، یك چیزی شبیه کتاب مناظره دکتر و پیر شهید هاشمی‌نژاد. البته به آن محکمی نمی‌نوشتم. بعد با مجله‌ای به اسم مجموعه حکمت کار کردم که از تبریز هم با آن همکاری داشتم و در آن مقاله‌های خوبی نوشتم. برادران برقعی (سید فخرالدین، سید یحیی، سیدصدرالدین) آنها را چاپ می‌کردند. ماهنامه بود. اغلب فضلای قم در مجموعه حکمت مقاله می‌نوشتند، از جمله آقایان: سبحانی، نوری، دوانی، دانش آشتیانی. آقای سید یحیی برقعی سردبیر نشریه بود و آقای سیدفخرالدین برقعی صاحب امتیاز. هنوز هم با همان اسم س.هـ. تبریزی مقاله می‌نوشتم».

***وسخن آخر؟***

روحیه و اراده کاری پدر فوق‌العاده بود و حتی در اوج بیماری و شرایط دشوار جسمی هم، از پژوهش و نگارش دست برنمی‌داشتند. یك بار یك عمل جراحی سنگین چهار ساعته روی ایشان انجام شده بود، طوری که حتی در تنفس و تکلم هم مشکل پیدا کرده بودند. با اشاره به من فهماندند مجموعه آثار سیدجمال را به بیمارستان بیاورم و در گوشه اتاق مراقبت‌های ویژه بگذارم. بعدها می‌گفتند دیدن این مجموعه ۹ جلدی، در بهبود حالم تأثیر خارق‌العاده داشت. تا پایان حیات هم، چیزی به اندازه انتشار یك اثر پژوهشی یا کتب جدید و خواندنی، ایشان را خوشحال نمی‌کرد.

### در محضر علامه طباطبایی

به طور مشخص‌تر در سالیان اول ورود به قم، ایشان بیشتر عوالم عرفانی خود را با مرحوم علامه طباطبایی در میان می‌گذاشتند. در این باره می‌گفتند: «روزهایی که می‌دیدم کسی در محضر علامه طباطبایی نیست، مزاحم ایشان می‌شدم و در راه یا جلوی منزلشان، درباره حالاتی که برایم پیش می‌آمد یا خواب‌هایی که می‌دیدم، با ایشان صحبت می‌کردم و ایشان هم تعلیماتی می‌دادند و استفاده می‌کردیم. بعدها به علت کسالت یا کم‌توفیقی، بعضی از آن عوالم معنوی بی‌بدیل ادامه پیدا نکردند».

تصویر آیت ا... کاشانی فقیه بزرگ ایران. این تصویر با امضای خود ایشان به زنده‌یاد خسروشاهی هدیه شده است

آیت ا... خسروشاهی در جوانی با شیخ سابق الازهر محمد طنطاوی در حال گفت‌وگو پیرامون موضوع تقریب مذاهب اسلامی

آیت ا... خسروشاهی در جوانی

### بزرگ‌ترین درس، رعایت اعتدال

بزرگ‌ترین درسی که من از پدر آموختم، رعایت اعتدال بود. ایشان چه در امور عبادی، چه امور سیاسی و جنبه‌های مختلف زندگی، روی رعایت اعتدال تأکید داشتند. همیشه سفارش می‌کردند که: روی کیفیت عبادت و دعا بیشتر از کمیت آن دقت کنیم. می‌گفتند: «اگر در مسائل مستحبی افراط کنی، خدای ناکرده روزی می‌رسد که در مستحبات هم سهل‌انگاری خواهی شد و این افراط و تفریط‌ها به سایر جنبه‌های زندگی‌ات هم سرایت می‌کند!». مثلاً یادم هست که در اواخر مقطع دبستان تصمیم گرفتم هر روز نماز امام زمان(عج) بخوانم! ایشان گفتند: «عبادت و دعا خیلی هم خوب است، به شرط این‌که کار به افراط نکشد و از حالت اعتدال خارج نشود که یك وقت دلزدگی نیاورد». تأکید دیگر ایشان در زمینه تربیت فرزندان، این خود که در برابر مردم خاکی باشید و به اصطلاح برایشان قیافه نگیرید! از تفاخر و تظاهر بدشان می‌آمد و رفتار فرزندان بعضی از بزرگان، موجب تکدر خاطرشان می‌شد و ما را به شدت از اینگونه کارها منع می‌کردند. نکته دیگر، بیزاری ایشان از سیگار و این مسائل بود. به من گفته بودند: «حتی اگر یك نخ سیگار هم بکشی، از تو راضی نخواهم بود!». الحمدلله ظاهراً این اخطار پدر مؤثر بوده.